

نسبت‌های بازماندگی در برآورد غیرمستقیم مهاجرت استان یزد

مریم صباغچی^{۱*}، مرجان صباغچی^۲ و مسعود محمدی^۳

چکیده

شکل‌گیری مهاجرت به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی کلان، ذهن و اندیشه صاحب‌نظران بسیاری را به خود معطوف کرده است. جابجا شدن انسان‌ها برای ارتقای کمی و کیفی زندگی، ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و این تحرکات به عنوان یک موضوع مهم اجتماعی مطرح گردیده است.

جهت برآورد و اندازه‌گیری غیرمستقیم خالص مهاجرت، روش‌های مختلفی وجود دارد. در این پژوهش از تکنیک آمارهای حیاتی و نسبت‌های بازماندگی (پیش‌نگر، پس‌نگر) جهت برآورد خالص مهاجرتی استان یزد، در بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ استفاده شده است. این دو روش غیرمستقیم اندازه‌گیری خالص مهاجرت، جزء روش‌های باقیمانده بوده و برای محاسبه تغییرات جمعیت در اثر مهاجرت نسبت به باروری و مرگ‌ومیر بکار گرفته می‌شود.

بر اساس نتایج بدست آمده، در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، تعداد واردشدگان به یزد برابر با ۱۰۳۳۳۶ نفر و تعداد خارج‌شدگان برابر با ۶۵۲۷۴ نفر بوده است. نتایج حاکی از این است که استان یزد یک استان مهاجرپذیر می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که روش پس‌نگر نسبت به روش پیش‌نگر تمایل به بزرگ نشان دادن مقدار مطلق خالص مهاجرت دارد. موفقیت تکنیک نسبت بازماندگی به طور عمده بر امکان محاسبه نسبت‌های بازماندگی، متکی است که بر شدت مرگ‌ومیر در طول مدت زمان بین دو سرشماری اشاره دارد.

این مطالعه با استفاده از تکنیک آمارهای حیاتی به برآورد غیرمستقیم مهاجرت استان یزد و نقش توسعه در مهاجرپذیر یا مهاجرفرست بودن این استان پرداخته و نشان می‌دهد خالص مهاجرتی در استان یزد مثبت است و نشان‌دهنده مهاجرپذیر بودن این استان می‌باشد.

واژگان کلیدی: مهاجرت، آمارهای حیاتی، نسبت‌های بازماندگی، خالص مهاجرت، یزد.

۱- گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران maryam_sabaghchi@yahoo.com

۲- گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران marjan_sabaghchi@yahoo.com

۳- مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی، دانشکده علوم پزشکی گراش، ایران masoud.mohammadi1989@yahoo.com

*نویسنده مسئول: maryam_sabaghchi@yahoo.com

مقدمه

امروزه برخلاف دوران اولیه زندگی بشر، مهاجرت‌ها تنها با انگیزه‌های زیستی و بیولوژیک انجام نمی‌شوند، بلکه در دنیای معاصر مهاجرت پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است (مقدس و شرفی، ۱۳۸۸: ۱۶۳). بنابراین، این پدیده در رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی به عنوان موضوعی پایدار و مهم همواره مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یک پژوهش بین رشته‌ای، میان جمعیت‌شناسی و دیگر حیطه‌های علمی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد مطرح است و هریک از محققان بنا بر نیاز مطالعاتی و رویکردهای تئوریک خود، تعریفی از آن ارائه کرده‌اند (موحد و نیازی، ۱۳۸۷: ۳۰). آن چه مهاجرت امروز را متفاوت می‌کند، پویایی، جابجایی‌های مهاجرتی و در نتیجه آن تأثیر مهاجرت است که تفاوت فاحش کرده است. تعداد افرادی که تغییر مکان می‌دهند، امروزه بسیار افزایش یافته است؛ به طوریکه حدود یک نفر از هر ۳۵ نفر در جهان مهاجر است (گزارش سازمان جهانی مهاجرت، ۲۰۰۵).^۱

در لغت‌نامه جمعیت‌شناسی سازمان ملل، مهاجرت را شکلی از تحرک جغرافیایی و جابجایی جمعیتی بین دو واحد جغرافیایی تعریف می‌کند. مرکز آمار ایران در تعاریف استاندارد خود که در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ نیز از آن استفاده کرده است، مهاجرت را تغییر اقامتگاه معمولی از یک شهر یا آبادی به یک شهر یا آبادی دیگر می‌داند و مهاجرت داخلی آن دسته از مهاجرت‌هایی است که داخل مرزهای سیاسی یک کشور انجام شود (طیفوری، نوروزی و صادق اکبری، ۱۳۹۰: ۱).

بنابراین، همگام با آغاز توسعه اقتصادی در هر کشوری، مهاجرت داخلی عنصر مهمی در رشد جمعیت آن کشور محسوب می‌شود. به خصوص در مناطقی که مهاجرپذیر هستند، فرصت‌های شغلی، دستمزدهای بهتر، امکانات تحصیلی و سایر عوامل باعث جذب جمعیت از سایر مناطق می‌شوند. از دیدگاه اقتصادی، مهاجرت‌ها اعم از مهاجرت‌های داخلی و خارجی، مکانیزمی برای بازتوزیع نیروی کار می‌باشد. همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق مختلف یک سرزمین می‌تواند بر پراکندگی و توزیع جمعیت آن منطقه تأثیرگذار باشد (فتیحی، ۱۳۹۰). با نگاهی اجمالی به پراکندگی جمعیت در کشور می‌توان به این واقعیت پی برد که تراکم جمعیت در مناطق مختلف کشور بسیار متفاوت می‌باشد، به گونه‌ای که از نظر استانی بیشترین تراکم جمعیت در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در استان تهران بوده است.

بدیهی است وجود منابع و امکانات در قسمت‌هایی از کشور باعث تمرکز و تراکم جمعیت و تعدادی از شهرهای بزرگ و مهم شده است (از جمله پایتخت)، درحالی‌که در نقاطی دیگر به دلیل عدم دسترسی به منابع و امکانات مختلف اجتماعی، فرهنگی و... در زمره نقاط دفع‌کننده جمعیت محسوب می‌شوند. البته نقش عوامل طبیعی و موانع جغرافیایی را نیز نباید در این جابجایی‌ها نادیده گرفت. صرف نظر از عوامل طبیعی به نظر می‌رسد، از جمله عوامل مهم جذب

1. International organization of migration

جمعیت در یک منطقه وجود فرصت‌های شغلی، دسترسی به امکانات رفاهی، اجتماعی، فرهنگی و... باشد. از این میان فرصت‌های شغلی نقش ویژه‌ای در جابجایی‌های جمعیتی ایفا می‌نمایند. اهمیت و طرح این موضوع در چارچوب مطالعه حاضر، برخاسته از این نکته است که پدیده مهاجرت به لحاظ اثرگذاری چند وجهی بر رشد جمعیت جامعه مبدا و مقصد و از سوی دیگر اثرگذاری بر پارامترها و ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌های مورد نظر از موضوعات بسیار مهم محسوب می‌گردد. از آن جایی که توسعه جریانی است چند بعدی، که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و فرهنگی از یک‌سو و رشد اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری اجتماعی از سوی دیگر است (صفائی‌پور و مودت، ۱۳۹۲)؛ سطح توسعه در کشور ایران یکسان نیست و تفاوت‌هایی در این زمینه دیده می‌شود. اگرچه در سالهای اخیر اقداماتی در جهت رشد و توسعه مناطق صورت گرفته، اما این اقدامات در استان‌های کشور متفاوت از یکدیگر بوده، به گونه‌ای که نتوانسته توسعه هماهنگ مناطق مختلف را موجب شود. وجود قطب‌های رشد مانند: تهران، اصفهان و یزد و ... و توسعه ناهمگن و توسعه‌نیافتگی بسیاری از مناطق و استان‌های کشور از قبیل سیستان و بلوچستان، حاکی از عدم تعادل منطقه‌ای شدید در میان استان‌های ایران و عدم توزیع یکسان ثمرات توسعه در سراسر کشور است. مطالعه سطح توسعه در استان‌های ایران همواره مورد توجه محققین بوده است. از جمله تحقیقات انجام شده می‌توان به مطالعه کریمی موعاری و براتی (۱۳۹۶)، فتح‌اللهی، کفیلی و تقی‌زادگان (۱۳۹۶)، زنگنه (۱۳۹۵) و آقای، رضاقلی‌زاده و باقری (۱۳۹۲) اشاره کرد. تحقیقات نشان داده‌اند، براساس تقسیم‌بندی استان‌های کشور به لحاظ سطح توسعه، استان یزد به عنوان استان توسعه‌یافته در کشور می‌باشد. به طوریکه در مطالعات فوق، از میان تمامی استان‌های ایران، استان یزد در جایگاه ۱ تا ۷ قرار گرفته است. مطالعه حاضر با هدف ارائه تصویر و تحلیلی از مهاجرت داخلی (بین استانی) با بررسی آمار و اسناد موجود، درصدد است با استفاده از تکنیک آمارهای حیاتی و نسبت‌های بازماندگی (پیش‌نگر، پس‌نگر) به برآورد غیرمستقیم مهاجرت‌های استان یزد و نقش توسعه در مهاجرپذیر یا مهاجرفرست بودن این استان بپردازد.

روش تحقیق

جهت برآورد و اندازه‌گیری غیرمستقیم خالص مهاجرت، روش‌های مختلفی وجود دارد. دانالد جی بوگ، در مقاله «تکنیک‌های برآورد خالص مهاجرت» به دو روش تکنیک آمارهای حیاتی و نسبت بازماندگی (پیش‌نگر و پس‌نگر) اشاره داشته است. این دو روش غیرمستقیم اندازه‌گیری خالص مهاجرت، جزء روش‌های باقیمانده بوده و برای محاسبه تغییرات جمعیت در اثر مهاجرت نسبت به باروری و مرگ‌ومیر بکار گرفته می‌شود. اگر داده‌های دو سرشماری متوالی در دسترس باشد و همچنین تعداد موالید و مرگ‌ومیر در طی این دو سرشماری مشخص باشد، می‌توان خالص مهاجرت را برآورد نمود. در حقیقت، داده‌های مذکور عناصر تشکیل‌دهنده معادله توازن هستند. روش مذکور در معادله شماره ۱ آورده شده است:

$$(1) P_t - p_0 = \sum (B_i - D_i) + \sum (I_i - E_i)$$

$P_t - P_0$: تغییر جمعیت کل در بین دو سرشماری (P_t : جمعیت سرشماری آخر، P_0 : جمعیت سرشماری اول)

$B_i - D_i$: موالید منهای مرگومیر (افزایش طبیعی جمعیت بین دو سرشماری)

$I_i - E_i$: مهاجران وارد شده منهای مهاجران خارج شده (خالص مهاجرت بین دو سرشماری)

باتوجه به معادله توازن می‌توان گفت که خالص مهاجرت (NM) به روش ذیل به دست می‌آید:

$$(2) NM = (P_t - p_0) - \sum (B_i - D_i)$$

معادله ۲ نشان می‌دهد که خالص مهاجرت از طریق تفاضل رشد طبیعی جمعیت بین دو سرشماری از تغییر کل جمعیت بین دو سرشماری به دست می‌آید.

برآورد دقیق خالص مهاجرت به وسیله روش آمارهای حیاتی نیازمند آن است که، اول اطلاعات زادوولد و مرگومیر از صحت و دقت بالایی برخوردار باشد، دوم آمارهای جمعیتی حاصل از سرشماری نیز دقیق باشد. در کشورهایی که ثبت موالید و مرگومیر کامل باشد و آمارهای سرشماری نیز از دقت بالایی برخوردار باشد، روش آمارهای حیاتی بهترین تخمین را از خالص مهاجران ارائه می‌کند. برآورد خالص مهاجرتی به روش آمارهای حیاتی، می‌تواند در معرض دو نقص باشد، از جمله مهاجرت کودکان تازه متولد شده و مرگومیر مهاجران. البته جهت این تاثیرات یکدیگر را خنثی می‌کنند، اما هر چه دوره برآورد طولانی‌تر باشد، اثر بالقوه آن بر برآورد خالص مهاجرت می‌تواند جدی‌تر باشد.

مهمترین ایراد تکنیک آمارهای حیاتی، این است که براساس آن نمی‌توان مهاجران را به تفکیک سن و جنس برآورد نمود. در حالیکه در روش نسبت بازماندگی به این امر توجه شده، در نتیجه می‌توان مهاجران را براساس سن و جنس برآورد کرد. همچنین، برآورد خالص مهاجرت یک کشور به تفکیک مناطق براساس نسبت بازماندگی، موضوع برخی از تحقیقات بوده است. چون این روش براساس افراد باقی‌مانده در بین دو سرشماری در مرزهای داخلی یک کشور انجام می‌شود، روشی ساده است. همیلتون (۱۹۶۷) معتقد است که روش نسبت بازماندگی به چندین طریق، پیش‌نگر، پس‌نگر و میانگین نسبت بازماندگی انجام می‌گیرد. بررسی ادبیات تحقیق نشان خواهد داد که در کمتر مطالعاتی از روش‌های نسبت بازماندگی پس‌نگر و میانگین نسبت بازماندگی استفاده شده است و بیشتر مطالعات روش بازماندگی پیش‌نگر را به کار برده‌اند. مزیت این روش این است که می‌توان مهاجران را براساس سن و جنس به دست آورد. داده‌های مورد نیاز: تعداد جمعیت براساس سن و جنس در سرشماری اول، تعداد جمعیت براساس سن و جنس در سرشماری دوم و نسبت بازماندگی روش جدول عمر و روش سرشماری.

خصوصیات روش پیش‌نگر این است که خالص مهاجرت را برای انتهای دوره برآورد می‌کند، یعنی جمعیت سرشماری دوم منهای تعداد بازماندگان هر کوهورت از سرشماری اول در انتهای دوره می‌شود. همچنین روش پیش‌نگر حجم مهاجرت را مقداری بیش از حد واقعی برآورد می‌کند.

در معادله ۳، فرمول نسبت بازماندگی پیش‌نگر و در معادله ۴، فرمول نسبت بازماندگی پس‌نگر آورده شده است:

$$(3) {}_nM_{x+t} = {}_nP_{x+t} - ({}_tS_{x \cdot x+n})({}_nP_x)$$

$$(4) {}_nM_{x+t} = ({}_nP_x + {}_tS_{x+n}) - ({}_nP_x)$$

${}_nM_{x+t}$: خالص مهاجرت برای افراد x تا $x+t$ ساله که در آغاز فاصله زمانی x ساله بوده و آخر فاصله زمانی t سال بزرگتر است.

${}_nP_x$: جمعیت x تا $x+n$ در آغاز دهه (سرشماری اول)

${}_nP_{x+t}$: جمعیت همان دوره در t سال بعد (سرشماری دوم)

S_x : نسبت بازماندگی که از طریق تناسب کوهورتی یا جدول عمر بدست می‌آید.

اگر چه روش پس‌نگر، مزیت‌های روش پیش‌نگر (و از جمله برآورد تعداد مهاجرت‌ها برای انتهای دوره) را ندارد، اما تصویر کامل‌تری از حجم خالص مهاجرتی، مخصوصاً زمانی که طول دوره طولانی است یا سطح مرگ‌ومیر بالاست ارائه می‌کند. روش پس‌نگر معمولاً برآورد بالاتری از خالص مهاجرت ارائه می‌کند، زیرا مهاجرانی که تا پایان دوره فوت کرده‌اند، را نیز در نظر می‌گیرد. این مسئله در کشورهای توسعه‌یافته باعث می‌شود که برآورد مهاجران به ویژه برای سنین سالخوردگی افزایش یابد. در روش پس‌نگر، جمعیت سرشماری دوم به صورت معکوس (با اعمال نسبت بازماندگی معکوس) به ابتدای دوره برگردانده می‌شود تا جمعیت مورد انتظار در سرشماری اول به دست آید. آنگاه با مقایسه جمعیت مورد انتظار برای ابتدای دوره با جمعیت شمارش شده در سرشماری نخست، خالص مهاجرت برآورد می‌شود.

به طور کلی تفاوت بین روش پیش‌نگر و پس‌نگر در این است که فرض می‌شود مرگ‌ومیر در روش پیش‌نگر در ابتدای مدت زمان دو سرشماری و در روش پس‌نگر، مرگ‌ومیر در انتهای مدت زمان دو سرشماری اتفاق می‌افتد.

یافته‌ها

مهاجرت و چگونگی توزیع مجدد جمعیت در داخل کشور یکی از اساسی‌ترین عواملی است که سیاست‌گذاران اقتصادی-اجتماعی برای کنترل جمعیت و جهت دادن به جابجایی‌های جمعیتی و نیز هدایت جمعیت به سوی قطب‌های اقتصادی به آن توجه دارند و شناخت علمی پدیده مهاجرت به عنوان پایه و اساس مدیریت و سیاست‌گذاری در کشور است. برای شناخت وسعت و جهت حرکت جمعیت و نیز ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مهاجران داخلی، مهمترین منبع آماری، بررسی اطلاعات حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن است. در این گزارش مهاجرت استانی طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، بر اساس نتایج حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ بررسی شده است. محاسبه خالص مهاجرت به وسیله روش آمارهای حیاتی و نتایج از آن در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱- برآورد خالص مهاجرت با به کارگیری روش آمارهای حیاتی استان یزد طی دوره

۱۳۸۵-۱۳۹۰

استان	ماتریس مهاجرتی ۸۵-۹۰		خالص مهاجرت	درصد مهاجران وارد شده به مهاجران خارج شده
	مهاجران وارد شده	مهاجران خارج شده		
یزد	۱۰۳۳۳۶	۶۵۲۷۴	۳۸۰۶۲	۱۵۸/۳

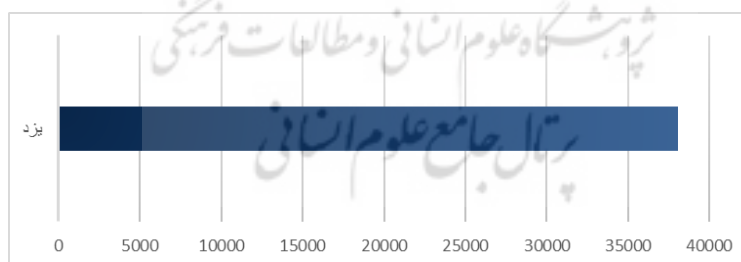
مهاجرت‌های بین استانی و خالص مهاجرت طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در جدول ۱ ارائه شده است. مهاجران خارج‌شده به مهاجرانی گفته می‌شود که از استان مورد نظر به سایر استان‌ها مهاجرت کرده‌اند و واردشدگان به مهاجرانی گفته می‌شود که از سایر استان‌ها به استان مورد نظر مهاجرت کرده‌اند. به تفاضل بین مهاجران واردشده به استان و خارج شده از استان نیز خالص مهاجرت اطلاق می‌شود. در صورت مثبت بودن حاصل این تفاضل، استان مهاجرپذیر و در غیر این صورت مهاجرفرست در نظر گرفته می‌شود.

مطابق با اطلاعات جدول ۲، در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، تعداد واردشدگان به یزد برابر با ۱۰۳۳۳۶ نفر و تعداد خارج‌شدگان برابر با ۶۵۲۷۴ نفر بوده است. نتایج حاکی از این است که استان یزد یک استان مهاجرپذیر می‌باشد. یا به عبارتی می‌توان گفت، خالص مهاجرتی استان یزد مثبت است و استانی مهاجرپذیر می‌باشد.

جدول ۲. خالص مهاجرت به دست آمده از طریق روش آمار حیاتی و ماتریس مهاجرتی استان

یزد طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰

استان	ماتریس مهاجرتی (گزارش سرشماری)			روش آمارهای حیاتی	تفاوت
	مهاجران وارد شده	مهاجران خارج شده	خالص مهاجرت		
یزد	۱۰۳۳۳۶	۶۵۲۷۴	۳۸۰۶۲	۳۰۴۳۲	۷۶۳۰



نمودار ۱. برآورد خالص مهاجرت با به کارگیری روش ماتریس مهاجرتی برای استان یزد طی دوره

۱۳۸۵-۱۳۹۰

با توجه به نمودار ۱، بررسی استان یزد از نظر شاخص نسبت خالص مهاجرت در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که استان یزد مهاجرپذیر بوده است.

ستون تفاوت (حاصل تفریق خالص مهاجرت روش آمارهای حیاتی از ماتریس مهاجرتی) در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که تفاوت چشم‌گیری بین نتایج دو روش مذکور وجود دارد. ارقام مثبت مقدار مطلق بیش‌شماری خالص مهاجرت را نشان می‌دهد. در صورتی که ارقام منفی باشند، مقدار مطلق کم‌شماری خالص مهاجرت را نشان می‌دهند. درست است که در روش آمارهای حیاتی نسبت به ماتریس مهاجرتی، مهاجران با منشأ خارج از کشور و نامشخص (اظهار نشده) نیز شامل شده‌اند، ولی باتوجه به سهم بسیار ناچیز این دو دسته از مهاجران در داده‌های مهاجرتی سرشماری ۱۳۸۵، تفاوت بدست آمده از دو روش جای تأمل زیادی دارد. شاید این مسئله بیشتر از این واقعیت ناشی شود که برآورد خالص مهاجرت به روش آمارهای حیاتی یک ته‌مانده است. یعنی آن مقداری است که بعد از اینکه دیگر مولفه‌های تغییر برداشته شوند، باقی می‌ماند. همه اشتباهات و خطاها در داده‌های پایه بعنوان ته‌مانده وارد شده و بعنوان خالص مهاجرت تعریف می‌شوند. علاوه بر اشکالات در داده‌های پایه (جمعیت سرشماری اول و دوم)، موارد دیگری نیز می‌تواند بعنوان منبع خطا باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد.

- اگر در بین دو سرشماری در مرزهای مناطق (استان‌های) مورد بررسی تغییری صورت گیرد.
 - اگر در بین دو سرشماری تغییر عمده‌ای در روش اختصاص دادن جمعیت شمارش شده به مکان اقامت صورت گیرد. همانند تغییر در تعریف مکان اقامت برای دانشجویان، نیروهای نظامی و غیره.

- اگر سرشماری‌های اول و دوم در تاریخی غیر از اولین روز سال (اول فروردین) انجام گیرد.
 - اگر کم‌شماری یا بیش‌شماری در زمینه موالید و مرگ‌ومیرها صورت گیرد.
 اگر خطاها و ایرادات مطرح شده در بالا از داده‌های پایه حذف شوند، این روش شمارش دقیقی از تعداد خالص مهاجران در بین دو سرشماری به دست خواهد داد.
 جدول ۳ و ۴، برآورد خالص مهاجرت با به کارگیری نسبت‌های بازماندگی (پیش‌نگر و پس‌نگر) را به ترتیب برای مردان و زنان استان یزد- طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ نشان می‌دهد.

جدول ۳. برآورد خالص مهاجرت با به کارگیری نسبت‌های بازماندگی (پیش‌نگر و پس‌نگر) برای مردان استان یزد- طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰

سن در سال ۱۳۸۵	روش بازماندگی پیش‌نگر				روش بازماندگی پس‌نگر			
	جمعیت سرشماری ۱۳۸۵	نسبت بازماندگی	جمعیت مورد انتظار در سال ۱۳۹۰	خالص مهاجرت	جمعیت سرشماری ۱۳۹۰	نسبت بازماندگی	جمعیت مورد انتظار در سال ۱۳۸۵	خالص مهاجرت
-	۱	۲	۱*۲=۳	۵-۳=۴	۵	۶	۵*۶=۷	۷-۱=۸
۰-۴	۴۱۵۳۶	۱۰۰۶۵	۴۴۲۳۵	۶۷۹۱	۵۱۰۲۶	۱۰۰۶۵	۴۷۹۱۳	۶۳۷۷
۵-۹	۳۹۴۸۹	۱۰۰۴۰	۴۱۰۶۵	۳۱۷۰	۴۴۲۳۵	۱۰۰۴۰	۴۲۵۳۷	۳۰۴۸
۱۰-۱۴	۴۲۵۴۱	۱۰۰۸۵	۴۶۱۷۱	-۵۱۰۶	۴۱۰۶۵	۱۰۰۸۵	۳۷۸۳۶	-۴۷۰۵
۱۵-۱۹	۶۴۷۱۵	۰۰۹۵۲	۶۱۶۳۸	-۱۵۴۶۷	۴۶۱۷۱	۰۰۹۵۲	۴۸۴۷۶	-۱۶۲۳۹
۲۰-۲۴	۷۵۲۵۳	۰۰۸۸۰	۶۶۱۹۰	-۴۵۵۲	۶۱۶۳۸	۰۰۸۸۰	۷۰۰۷۸	-۵۱۷۵
۲۵-۲۹	۵۴۰۶۸	۰۰۹۵۰	۵۱۳۸۲	۱۴۸۰۸	۶۶۱۹۰	۰۰۹۵۰	۶۹۶۵۰	۱۵۵۸۲
۳۰-۳۴	۳۹۰۵۲	۱۰۰۱۷	۳۹۷۲۵	۱۱۶۵۷	۵۱۳۸۲	۱۰۰۱۷	۵۰۵۱۲	۱۱۴۶۰
۳۵-۳۹	۳۳۹۳۷	۱۰۰۱۲	۳۴۳۲۸	۵۳۹۷	۳۹۷۲۵	۱۰۰۱۲	۳۹۲۷۳	۵۳۳۶
۴۰-۴۴	۲۹۳۰۷	۰۰۹۸۴	۲۸۸۲۶	۵۵۰۲	۳۴۳۲۸	۰۰۹۸۴	۳۴۹۰۱	۵۵۹۴
۴۵-۴۹	۲۵۷۲۰	۰۰۹۹۵	۲۵۵۹۰	۳۲۳۶	۲۸۸۲۶	۰۰۹۹۵	۲۸۹۷۲	۳۲۵۲
۵۰-۵۴	۲۰۰۵۸	۰۰۹۴۸	۱۹۰۲۳	۶۵۶۷	۲۵۵۹۰	۰۰۹۴۸	۲۶۹۸۲	۶۹۲۴
۵۵-۵۹	۱۲۳۷۴	۰۰۹۴۹	۱۱۷۴۸	۷۲۷۵	۱۹۰۲۳	۰۰۹۴۹	۲۰۰۳۷	۷۶۶۳
۶۰-۶۴	۱۰۳۲۸	۰۰۸۹۳	۹۲۲۷	۲۵۲۱	۱۱۷۴۸	۰۰۸۹۳	۱۳۱۵۰	۲۸۲۲
۶۵-۶۹	۸۵۹۵	۰۰۹۱۶	۷۸۷۳	۱۳۵۴	۹۲۲۷	۰۰۹۱۶	۱۰۰۷۳	۱۴۷۸
۷۰-۷۴	۸۷۸۱	۰۰۸۰۳	۷۰۴۷	۸۳۶	۷۸۷۳	۰۰۸۰۳	۹۸۱۰	۱۰۲۹
۷۵-۷۹	۵۳۱۷	۰۰۸۱۰	۴۳۰۹	۲۷۲۸	۷۰۴۷	۰۰۸۱۰	۸۶۹۵	۳۳۷۸

جدول ۴. برآورد خالص مهاجرت با به کارگیری نسبت‌های بازماندگی (پیش‌نگر و پس‌نگر) برای زنان استان یزد - طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰

سن در سال ۱۳۸۵	روش بازماندگی پیش‌نگر				روش بازماندگی پس‌نگر			
	جمعیت سرشماری ۱۳۸۵	نسبت بازماندگی	جمعیت مورد انتظار در سال ۱۳۹۰	خالص مهاجرت	جمعیت سرشماری ۱۳۹۰	نسبت بازماندگی	جمعیت مورد انتظار در سال ۱۳۸۵	خالص مهاجرت
-	۱	۲	۱*۲=۳	۵-۳=۴	۵	۶	۵*۶=۷	۷-۱=۸
۰-۴	۴۰۰۵۳	۱۰۰۶۲	۴۲۵۵۵	۶۷۶۹	۴۹۳۲۴	۱۰۰۶۲	۴۶۴۲۴	۶۳۷۱
۵-۹	۳۷۳۳۵	۱۰۰۴۱	۳۸۸۶۸	۳۶۸۷	۴۲۵۵۵	۱۰۰۴۱	۴۰۸۷۷	۳۵۴۲
۱۰-۱۴	۴۰۳۵۹	۱۰۰۴۲	۴۲۰۷۱	-۳۲۰۳	۳۸۸۶۸	۱۰۰۴۲	۳۷۲۸۶	-۳۰۷۳
۱۵-۱۹	۵۷۸۹۹	۱۰۰۲۵	۵۹۳۱۸	-۱۷۲۴۷	۴۲۰۷۱	۱۰۰۲۵	۴۱۰۶۵	-۱۶۸۳۴
۲۰-۲۴	۶۶۹۰۱	۰۰۹۲۸	۶۲۰۸۷	-۲۷۶۹	۵۹۳۱۸	۰۰۹۲۸	۶۳۹۱۷	-۲۹۸۴
۲۵-۲۹	۴۷۵۷۹	۰۰۹۸۷	۴۶۹۷۹	۱۵۱۰۸	۶۲۰۸۷	۰۰۹۸۷	۶۲۸۸۰	۱۵۳۰۱
۳۰-۳۴	۳۴۶۳۹	۱۰۰۰۹	۳۴۹۴۹	۱۳۰۳۰	۴۶۹۷۹	۱۰۰۰۹	۴۶۵۶۲	۱۱۹۲۳
۳۵-۳۹	۳۱۰۷۳	۱۰۰۱۳	۳۱۴۶۶	۳۴۸۳	۳۴۹۴۹	۱۰۰۱۳	۳۴۵۱۲	۳۴۳۹
۴۰-۴۴	۲۶۵۰۲	۰۰۹۸۹	۲۶۲۱۰	۵۲۵۶	۳۱۴۶۶	۰۰۹۸۹	۳۱۸۱۷	۵۳۱۵
۴۵-۴۹	۲۲۵۷۲	۱۰۰۱۳	۲۲۸۶۸	۳۳۴۲	۲۶۲۱۰	۱۰۰۱۳	۲۵۸۷۱	۳۲۹۹
۵۰-۵۴	۱۷۸۰۹	۰۰۹۶۸	۱۷۲۳۵	۵۶۳۳	۲۲۸۶۸	۰۰۹۶۸	۲۳۶۳۰	۵۸۲۱
۵۵-۵۹	۱۲۰۶۳	۱۰۰۱۷	۱۲۲۶۷	۴۹۶۸	۱۷۲۳۵	۱۰۰۱۷	۱۶۹۴۸	۴۸۸۵
۶۰-۶۴	۱۰۲۷۰	۰۰۹۹۷	۱۰۲۴۳	۲۰۲۴	۱۲۲۶۷	۰۰۹۹۷	۱۲۲۹۹	۲۰۲۹
۶۵-۶۹	۸۶۱۳	۰۰۹۷۹	۸۴۳۳	۱۸۱۰	۱۰۲۴۳	۰۰۹۷۹	۱۰۴۶۲	۱۸۴۹
۷۰-۷۴	۸۸۴۳	۰۰۸۲۰	۷۲۵۳	۱۱۸۰	۸۴۳۳	۰۰۸۲۰	۱۰۲۸۲	۱۴۳۹
۷۵-۷۹	۵۳۲۷	۰۰۹۲۵	۴۹۲۵	۲۳۲۸	۷۲۵۳	۰۰۹۲۵	۷۸۴۵	۲۵۱۸

باید توجه داشت که روش پس‌نگر نسبت به روش پیش‌نگر تمایل به بزرگ نشان دادن مقدار مطلق خالص مهاجرت دارد. موفقیت تکنیک نسبت بازماندگی به طور عمده بر امکان محاسبه نسبت‌های بازماندگی، متکی است که بر شدت مرگ‌ومیر در طول مدت زمان بین دو سرشماری اشاره دارد. برای این منظور ممکن است دو نوع نسبت بازماندگی محاسبه گردد: نسبت‌های بازماندگی سرشماری و نسبت‌های بازماندگی جدول عمر. اولی از طریق آمارهای سرشماری، و دومی از طریق جدول عمر تقریبی محاسبه می‌شود (اسلای، ۱۹۷۲؛ بوگ و همکاران، ۱۹۸۲). سیوامورتی (۱۹۶۹) چنین نتیجه می‌گیرد که نسبت بازماندگی روشی است که توانایی تولید

برآوردهای رضایت بخش از میزان خالص مهاجرت را ارائه می‌دهد، حتی زمانی که بین نسبت‌های بازماندگی تفاوت وجود داشته و یا اینکه خطاهای شمارش وجود دارد.

بحث

ارنست جورج راونشتاین، از نخستین کسانی بود که سعی کرد تا تبیینی نظری دربارهٔ قانونمندی‌های مهاجرت روستا-شهری ارائه دهد، او با عنوان «قوانین مهاجرت» در طی مقاله‌ای که در سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۸۸۹ در مجله انجمن سلطنتی به چاپ رساند، استدلال کرد که مهاجرت یک امر اتفاقی نیست، بلکه قوانینی خاص بر آن حاکم است و در آن اقتصاد به مثابه عامل اصلی مورد توجه است (قاسمی اردهائی و دیگران، ۱۳۸۷).

اورتاس‌لی، با نقد نظریه راونشتاین، نظریهٔ جدیدی در این زمینه ارائه داد. وی برای نخستین بار مهاجرت را در چارچوب کشش-رانش فردی تحلیل کرد که بر جذب و دفع مهاجر در مکان و یا به تعبیری عرضه و تقاضا در مهاجرت توجه داشت. وی به این نتیجه تأکید کرد که با افزایش تنوع، مهاجرت نیز افزایش می‌یابد. او در مجموع یک دسته‌بندی از عوامل مؤثر بر مهاجرت ارائه کرد که تا حد زیادی سازوکارهای معمول را نادیده گرفته بود (Hagen-Zanker, 2008:9).

مایکل تودارو، یکی از مشهورترین نظریه‌پردازان بحث مهاجرت است که بحث اساسی وی پیرامون مهاجرت روستا شهری است. فرض اصلی تودارو که در قالب یک مدل ارائه شد، این است که فرد بر مبنای هدف اقتصادی بیشتر شدن «درآمد ممکن» تصمیم به مهاجرت می‌گیرد و یا از آن صرف نظر می‌کند؛ در مدل تودارو مهاجرت بیشتر در پاسخ به تفاوت درآمد مورد انتظار شهر و روستا صورت می‌گیرد تا درآمد واقعی. در این تصمیم‌گیری دو عامل اقتصادی نقش دارند: نخست تفاوت واقعی موجود بین دستمزد در شهر و روستا است و دومی که مهمتر است، میزان احتمال موفقیت یک مهاجر در یافتن شغل و یا شغلی بهتر و با درآمد بیشتر در شهر است (تودارو، ۱۳۶۷: ۴۲). از نظر تودارو، گام مهم در شناسایی پدیده مهاجرت، شناسایی اقتصاد و سیاست اجتماعی می‌باشد که بر درآمد در روستا و شهر اثر می‌گذارد، که این خود از عوامل مهاجرت به حساب می‌آید. سیاست‌های اقتصادی چه مستقیم و چه غیرمستقیم بر جریان مهاجرت اثر گذارند، که از آن جمله می‌توان به مالیات، توسعه صادرات، واردات مواد اولیه، سیاست‌های تجاری و نرخ مبادله، برنامه‌های سرمایه‌گذاری عمومی، ارتباط با سرمایه‌گذاران خارجی، ساختار، محتوا و جهت‌گیری نظام آموزشی، عملکرد بازار کار و انتقال بین‌المللی داده و موقعیت صنایع جدید اشاره نمود (Todaro, 1997:27).

در مجموع در بیشتر نظریه‌های مهاجرت، تلاش برای یافتن شرایط بهتر و زندگی بهتر، انگیزه اصلی مهاجرت به شمار می‌رود و تفاوت‌های مکانی در بردارنده این شرایط، انگیزه اصلی تصمیم فرد و گروه‌های اجتماعی در ترک دیار و رو نهادن به یک مکان جدید است که این تفاوت‌ها ریشه عمیق در شرایط اقتصادی دارد. در واقع انجام مهاجرت، عدم رضایت از امکان زندگی و

درک اختلاف‌های فضایی اعم از اقتصادی- اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی است (صرافی، ۱۳۸۱: ۷).

چند دهه گذشته در تاریخ ایران، دگرگونی ژرف ساختار اجتماعی و نیروهای تولید، زمینه‌ساز اصلی مهاجرت بوده است. در فاصله نسبتاً کوتاهی روند چند هزار ساله زندگی اجتماعی دچار دگرگونی و تحولات چشمگیری شد؛ اگرچه این تحولات در سراسر جهان به صورت مشترکی نمودار شد، اما ایران با سابقه تاریخی ویژه و اقتصاد سیاسی جدید خود، تفاوت‌های قابل توجهی را طی کرده است (حسامیان و دیگران، ۱۳۷۵: ۲۷).

مسئله مهاجرت به مفهوم امروزی آن از دوره پهلوی نخست در ایران روند فزاینده خود را آغاز کرد. این دوران مصادف شد با رشد و گسترش روابط سرمایه‌داری و مدرنیزاسیون، همگام با افزایش نقش نفت در اقتصاد سیاسی ایران (کاستللو، ۱۳۷۱: ۹۵)، تغییر الگوی مصرف، یکپارچگی بازار، ایجاد زیربنای ارتباطی، ایجاد صنایع اولیه، مازاد اقتصادی، بهره‌کشی، هم‌آمیختگی شیوه‌های تولید، حجم مازاد نیروی کار و وابستگی کشاورزان به پول، روستاها را نیز به دایره تحولات کشاند و بیشترین روند جابجایی جمعیتی کشور آغاز شد (حسامیان و دیگران، ۱۳۷۵: ۵۵). در این دوران همگام با روند نوسازی، تصویب قوانین جدید زمینه‌های اولیه مهاجرت را تقویت کرد. برای نمونه یکجانشین کردن عشایر همراه با اجباری شدن نظام وظیفه سربازی، اجبار تحصیل فرزندان در مدارس ابتدایی و راه‌اندازی ادارات و سازمان‌های دولتی- (کاستللو، ۱۳۷۱: ۹۵) زمینه‌های مهاجرت را تشدید کرد.

بعد از سقوط رضا شاه و اشغال کشور به وسیله متفقین (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴) رکود اقتصادی بر کشور ایران حاکم شد و قحطی و شیوع امراض، مملکت را دچار وضع وخیمی ساخت (قدیری معصوم، ۱۳۸۷: ۶۹). در این دوره ایلات و عشایر از نو قدرت گرفتند و حکومت مرکزی مجدداً تضعیف شد و ظهور جنبش‌های محلی و همچنین بحران‌های سیاسی، مشکلات اقتصادی فراوانی را موجب شد (زاهدی و دیگران، ۱۳۶۶: ۳۵). علاوه بر این مالکان روستاها و کسانی که به اصطلاح تأمین‌کننده امنیت و قدرت مالی برای گردش چرخ کشاورزی بودند، با به هم خوردن اوضاع کشور و عدم امنیت جانی در پی اشغال نظامی، پراکنده و متواری شدند. در نتیجه این عوامل، زمینه‌های مهاجرت قسمتی از جمعیت روستایی به شهرها تقویت شد. در این میان روند تمرکزگرایی برنامه‌ریزی در کشور به تبدیل شهرها به نقاط جذب و تمرکز جمعیت کمک کرد.

به این ترتیب برنامه‌ریزی متمرکز در ایران از سال ۱۳۲۷ با تهیه اولین برنامه (۳۴ - ۱۳۲۷) شروع شد (سعیدینیا، ۱۳۸۲: ۲۲). با تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۷، اندیشه برنامه‌ریزی جامع به کمک مشاوران خارجی در ایران صورت عملی به خود گرفت. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولت در برنامه‌ریزی اقتصادی نقش مهمتری به دست گرفته و مجری تام و تمام برنامه‌های عمرانی بود. برنامه‌های عمرانی اهرم اصلی نوسازی و توسعه اقتصادی گردید (قدیری معصوم، ۱۳۸۷: ۶۹).

بنا به تخمین، نرخ مهاجرت روستایی طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱، ۱/۰۵ درصد بوده است و متوسط تعداد مهاجرین هر ساله در دوره فوق حدود ۱۵۳ هزار نفر بوده است. در این دوره به تقریب حدود ۹۱۸ هزار نفر از طریق مهاجرت روستایی به جمعیت شهری کشور افزوده شدند (زاهدی و دیگران، ۱۳۶۶: ۳۶). با انجام اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ و از میان رفتن نهادهای اصلی اربابی، زمینه برای گسترش روابط سرمایه‌داری آماده‌تر شد. در واقع اصلاحات ارضی نخستین گام اساسی در راه پراکنده کردن، وسعت بخشیدن و تعمیق روابط سرمایه‌داری در سطح ملی به شمار می‌رود. اصلاحات ارضی موجب شد، این رابطه در ژرفای روستاها و در میان ایلات و عشایر منتقل شود (سودا گر، ۱۳۶۷: ۳۶۷).

در واقع در این دوران سیاست‌های اداری- اقتصادی دولت به گسترش سریع شهرهای کوچک و بزرگ و فعالیت‌های شهری انجامید و گسترش بوروکراسی دولتی و تمرکز بیش از پیش تصمیمات اجرایی، فزونی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را در پی داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۲۲). این فرآیند در چند دهه اخیر و پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی متمرکز بر شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ، همچنان عاملی برای مهاجرت بود. در این دوران افزایش تعداد استان‌های با نرخ رشد منفی جمعیت روستایی روبه فزونی بوده‌اند، که از ۱۱ استان در سال ۱۳۷۵ به ۲۵ استان در سال ۱۳۸۵ رسیده است و نشان می‌دهد که این نابرابری نه تنها در حوزه روستا شهری، بلکه در پهنه‌های وسیع‌تر جغرافیایی وجود داشته و تأثیر خود را بر مکان‌گزینی جمعیت گذاشته است. در چند دهه گذشته اگرچه کاهش نسبت جمعیت روستایی کشور از تبدیل روستاهای بزرگ به شهر و ادغام بسیاری از روستاهای اطراف شهرهای بزرگ تأثیر فراوانی پذیرفت، اما همچنان مهاجرت، عامل اصلی این روند به شمار می‌رفت. در این راستا افزایش جمعیت شهری کشور از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ و به دنبال آن کاهش جمعیت روستانشین کشور از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۸/۷ درصد در سال ۱۳۹۰، نشان‌دهنده تغییر الگوی سکونت ستنی در ایران است.

مهاجرت داخلی یکی از عناصر هم در توزیع جمعیت و تغییرات اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای است. مهاجرت حجم، رشد و ساختار جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله پیامدهای مهاجرت داخلی گسترش شهرنشینی است.

در ایران طی سه دهه اخیر، سالانه بطور متوسط حدود یک میلیون نفر در داخل مرزهای کشور جابجا شده‌اند. این امر نشان پدیداری مهاجرت‌های داخلی به عنوان یک واقعه جمعیتی- اجتماعی مهم و تأثیرگذار است که با سایر حوزه‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی کشور می‌تواند تعاملات پیچیده‌ای داشته باشد. روند مهاجرت بین استانی نشان می‌دهد که در طول چهار سرشماری اخیر، بیشترین مهاجران به استان‌های تهران (همراه با استان البرز فعلی) اصفهان و خراسان‌رضوی وارد شده‌اند و استان تهران به همراه خوزستان و آذربایجان شرقی به

ترتیب بیشترین درصد مهاجران خارج شده را داشته‌اند. خالص مهاجرت استان‌ها نشان می‌دهد، استان‌های تهران (همراه با البرز) و اصفهان بیشترین خالص مهاجرت مثبت و آذربایجان شرقی، کرمانشاه و خوزستان بیشترین خالص مهاجرت منفی را داشته‌اند که در سرشماری ۱۳۹۰ بر شدت خالص مهاجرت مثبت استان‌های البرز، خراسان جنوبی و سمنان افزوده شده است.

شاخص میزان کل مهاجرت نشان می‌دهد، در ۱۵ سال اخیر بیشترین تاثیرگذاری از کل مهاجران وارد شده و خارج شده را استان‌های سمنان، قم، بوشهر، مرکزی و البرز داشته‌اند. همچنین برای استان‌های سمنان، یزد، تهران، خراسان جنوبی و گیلان، مهاجرت به نسبت مولفه‌های باروری و مرگ و میر نقش افزاینده جمعیت و برای استان‌های کرمانشاه، همدان، آذربایجان شرقی، اردبیل، لرستان و چهارمحال و بختیاری نقش کاهنده جمعیت را در مقایسه با سایر استان‌های کشور داشته است.

باتوجه به به وضعیت استان‌ها در زمینه شاخص‌های خالص مهاجرت، کل مهاجرت و نسبت مهاجرت، استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان (البرز) خراسان جنوبی، سمنان، قم، کرمانشاه، لرستان، همدان و یزد استان‌های مهمی بوده و نسبت به ۲۰ استان دیگر تداخلات و تعاملات بیشتری را با جریان‌های مهاجرت بین استانی دارند، این موجب گردید تا استان‌های مذکور مورد بررسی بیشتری قرار گیرند.

در جابجایی جمعیت و تعداد خالص مهاجرت بین استانی، سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها از جمله عوامل مورد توجه است. استان‌های دارای توسعه بالا همواره مهاجرپذیر و استان‌های دارای سطح توسعه پایین مهاجرفرست بوده‌اند. همچنین، تقریباً جابجایی جمعیت از استان‌های محروم به استان‌های برخوردار و نیمه برخوردار بوده است. یافته‌های مطالعه مشفق (۱۳۸۹) هم نشان می‌دهد در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۵۵ استان‌هایی که بیشتر توسعه یافته‌اند به عنوان نقاط جذب مهاجران و استان‌های کمتر توسعه یافته به عنوان نقاط دفع مهاجران عمل کرده‌اند. پس، عامل توسعه‌یافتگی بر عوامل فاصله‌های جغرافیایی و فرهنگی غلبه داشته است.

با توجه به موثر بودن سطح توسعه‌یافتگی مبدأ و مقصد در جهت دادن به جابجایی‌های جمعیتی بین استانی، می‌توان در علل مهاجرت نیز ریشه‌های اقتصادی را ملاحظه نمود. مشخص است، مهاجرت به دلایل مختلفی می‌تواند انجام بگیرد و در این میان انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در این جابه‌جایی مهاجران دارد. گاراسکی (۲۰۰۲) معتقد است، فرآیند تصمیم مهاجرت از سه عامل مهم فردی، خانوادگی و اجتماع محلی تأثیر می‌پذیرد. در هر دو سرشماری، پیروی از خانوار علت حدود ۵۰٪ مهاجرت‌ها را شامل می‌شود. بعد از آن علل مربوط به تحصیل، کار، خدمت وظیفه و دستیابی به مسکن مناسب‌تر قرار می‌گیرد. برای سرپرست‌های خانوار عامل اقتصادی (جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی و دستیابی به مسکن مناسب‌تر) مهمترین دلیل مهاجرت است.

استان یزد، یکی از سرزمین‌های باستانی اقوام ایرانی و دارای میراث درخشان از تمدن و فرهنگ کهن، با قدمت سه هزار سال می‌باشد. این شهر در طول چند دهه گذشته سهم عمده‌ای از جمعیت مهاجران شهری و روستایی داخل و خارج از استان را پذیرفته است و جز استان‌های مهاجرپذیر محسوب می‌شود (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۷: ۵۸).

مهاجرت به مثابه یک فرآیند، می‌تواند ناشی از تنگناهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگی‌های وضعیت محلی و قسمتی دیگر با فرصت‌های گوناگون موجود در مراکز شهری بستگی داشته باشد (سجادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۷). شهرنشینی و مهاجرت دو همزاد و مترادف در متون و نظریه‌های مهاجرت به شمار می‌روند و از این نظر پیوند زیادی میان نظریه‌های شهرنشینی و مهاجرت وجود دارد. شهرنشینی معاصر همزمان بود با تحول بنیادی در ساختار سکونت و اجتماعی انسان که از انقلاب صنعتی ریشه گرفت و مهاجرت نکته محوری آن به شمار می‌رود. واقعیت این است که در ساختار جدید اقتصاد جهانی، مرحله نوینی از تمدن بشری که دیگر تولید و مازاد تولید نه به مفهوم سنتی آن برآمده از زمین و کشاورزی، بلکه ناشی از فعالیت صنعتی، تجاری و خدماتی بود، شکل گرفت که در این ساختار جدید، این شهر است که نقش اصلی نقاط تمرکز سرمایه و بازتولید سرمایه را ایفا می‌کند (Martinez, 2008: 85).

در سال ۲۰۰۷، برای نخستین بار در تاریخ توسعه شهری بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها ساکن شد و این در حالی است که در این روند افزایشی، کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته سهم برابری ندارند و تقریباً نزدیک به ۹۰ درصد این جمعیت به مناطق شهری کشورهای در حال توسعه تعلق داشت (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۳). این فرآیند افزایش نسبت شهرنشینی و برهم خوردن توازن جمعیت شهر-روستا را تقریباً در همه کشورها به همراه داشته که بیشتر ناشی از مهاجرت و جابجایی جمعیت بوده است.

بخش عمده‌ای از مهاجرت‌ها در ابعاد داخلی و در چارچوب مرزهای داخلی کشورها صورت گرفته که در مقایسه با مهاجرت بین‌المللی آسان‌تر بوده و از موانع اقتصادی و اداری و سیاسی کمتری برخوردار بوده است. جریان‌های مهاجرت داخلی در زمینه‌های مقصد، ترکیب جمعیتی و مدت، متنوع و پیچیده هستند. به دلیل تفاوت‌ها و نابرابری‌های فزاینده منطقه‌ای، مهاجرت‌های شغلی کوتاه مدت نیز روندی افزایشی داشته و مهاجرت روستا-شهری در اغلب مناطق آسیا سرعت گرفته است (Deshingkar, 2008: 1-2).

اینکه چرا مهاجرت شکل می‌گیرد و دلایل و نتایج آن کدام‌اند، بحث پردامنه‌ای است که در چند دهه گذشته بر ابعاد و دامنه آن هر چه بیشتر افزوده شده است. واقعیت این است که در همه کشورها، مهاجرت نشان‌دهنده ظرفیت‌ها و توان مکان در جذب و یا نگاه‌داشت جمعیت است (Parnwell, 1993: 23).

در زمینه دلایل مهاجرت و به دنبال آن راهکارهای مواجهه با پدیده مهاجرت داخلی، تأکید بیش از حدی بر مسئله اقتصادی توسعه و درآمد به ویژه در مناطق روستایی شده است. واقعیت این است که پدیده مهاجرت از ساختار و ساز و کار پیچیده‌ای برخوردار است و تفسیر آن تنها با

متغیرهایی چون درآمد و یا اشتغال ممکن نیست. فقر و درآمد از جمله عواملی است که در مسئله مهاجرت، کارکردی دوگانه داشته و چنان نیست که تنها با ایجاد سطحی از درآمد در نواحی روستایی مسئله مهاجرت حل شده باشد. اگرچه سطح و دامنه‌ای از فقر وجود دارد که پایین‌تر از آن مهاجرت مقدور نیست و مهاجر نیاز به امکاناتی برای مهاجرت و اقامت دارد، اما کاهش فقر با کارکردی متضاد می‌تواند خود به عامل مهاجرت بدل شود (UN-HABITAT, 2011:112).

بررسی‌ها نشان می‌دهد، افزایش درآمد روستایی انگیزه‌ای برای مهاجرت به شمار می‌رود و افراد تحصیل کرده‌تر جامعه، بیشتر مهاجرت می‌کنند و ثروتمندترین‌ها توان بیشتری برای تحصیل و گسیل فرزندان به مدرسه را دارند؛ بنابراین ثروتمندترها بیشتر مهاجرت می‌کنند. اولین مهاجران عموماً از میان نخبگان بوده؛ بنابراین بررسی حرکت‌های جمعیتی در کشور از یک‌سو و بررسی وضع اشتغال از سوی دیگر برای هرگونه برنامه‌ریزی و حرکت به سوی توسعه اقتصادی اجتماعی ضرورت می‌یابد. به عبارتی بررسی رابطه بین مهاجرت و اشتغال می‌تواند همچون چراغی روشن راه را برای آینده‌نگری و برنامه‌ریزی‌ها و نیز بازنگری برنامه‌ها و ایجاد فرصت‌های اشتغال در کلیه نقاط کشور هموار نماید (اسکلدون، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

نتیجه‌گیری

این مطالعه با استفاده از تکنیک آمارهای حیاتی و نسبت‌های بازماندگی (پیش‌نگر، پس‌نگر) به برآورد غیرمستقیم مهاجرت استان یزد و نقش توسعه در مهاجرپذیر یا مهاجرفرست بودن این استان پرداخته است. خالص مهاجرتی در استان یزد مثبت است و نشان‌دهنده مهاجرپذیر بودن این استان می‌باشد.

منابع:

- Todaro, Michael (1367). Internal Migration in Developing Countries (translated by Mostafa Sarmadi and Parvin Raisifard), International Labor Office Publications.
- Hesamian, Farrokh, Giti Etemad and Mohammad Reza Haeri (1375). Urbanization in Iran, Agah Publications.
- Sajjadi, Jia, Ebrahimzadeh, Issa and Shams al-Dini, Ali (1390). "An Analysis of Rural-Urban Migration with Emphasis on the Role of Distance and Access - Case: Mamasani County", Urban and Regional Studies and Research, Second Year, No. 8.
- Abbasi Shavazi, Mohammad Jalal, Abbas Askarindoshan (2008). "Idealism in Development and Family-Related Attitudes in Iran (Case Study in Yazd)". Social Science Letter, No. 34, p. 58.
- Ghasemi Ardahai, Ali and Ali Hosseini Rad (2008), "Internal migration flows and characteristics of immigrants by province", Statistics Research Institute of Statistics Center of Iran.
- Ghadiri Masoom, Mojtaba and Jahan Mohammadi Firoozgham (2008), "The Role of Pre-Revolutionary Development Plans in Rural-Urban Migration with Emphasis on the Importance of Oil Revenues", Geographical Research, No. 63
- Katozian, Mohammad Ali (1993) Iran's Political Economy from Constitutionalism to the End of the Pahlavi Dynasty, published by Markaz.
- Castello, Vince Francis (1992) Urbanization in the Middle East, (translated by Parviz Piran and Abdolali Rezaei), published.
- Moqaddas, Ali Asghar, Zakia Sharafi (1388). Investigating the motivating factors of the tendency to international migration and young people aged 30-30 in Shiraz and Arsanjan. Iranian Journal of Sociology, Volume 10, Number 1. pp. 162-190.
- Movahed, Majid, Soghari Niazi (1387). The relationship between female students' tendency to emigrate abroad and their cultural characteristics. Women's Research, Volume 6, Number 29-50.
- Deshingkar, Priya, Natali, Claudia (2008), internal migration, world migration report 2008, chapter7.
- International Organization for Migration (2005). "Labor, Migration in Asia: Trend and Policy Responses in Countries of Origin ". Geneva: IOM.
- Martinez, Javier , Mboupb, Gora ,Sliuzasa,Richard ,Stein, Alfred(2008), Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990–2003, Habitat.
- Parnwell, mike (1993), Population movements and the third world, Taylor & Francis Group.
- UN-Habitat (2011), Population distribution, urbanization ,internal migration and development: an international perspective, UN department of economic and social affairs.